

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع و نگاه اندیشمندان اهل سنت

محمد جمال موسوی^۱

چکیده

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام اولین و برترین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نخستین بانوی مسلمان و مادر فاطمه زهرا علیها السلام است. ایشان بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان نزدیکان، کم نظیر و در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود. به سبب پشتیبانی، محبت و فداکاری های مؤثر وی و بذل تمام دارایی هایش در تبلیغ اسلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه یاد او را در گفتار و عمل زنده نگه داشته و به نیکی بسیار یاد می کرد. باید دید با توجه به دوره طولانی ای که ایشان همراه و تنها همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، در منابع روایی و تاریخی و دیدگاه صاحب نظران اهل سنت چه جایگاهی دارد؟ در این نوشتار ابتدا جایگاه وی در منابع روایی و تاریخی بررسی شده، سپس نظرات برخی اندیشمندان اهل سنت نسبت به ایشان مطرح شده است.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه؛ ام المؤمنین؛ سیده النساء العالمین؛ خیر النساء.

مقدمه

خدیجه بنت خویلد^۲ مشهور به «خدیجه کبری علیها السلام»، نخستین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و

۱. دکترای تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، jamalmousavi58@yahoo.com

۲. ابن اثیر جزری، *أسد الغابه فی معرفة الصحابه*، ج ۲، ص ۷۸.

اولین زن مسلمان است که با ایمانی کامل و عشقی تمام به اسلام و رسول خدا، با تمام وجود در راه گسترش و ترویج اسلام تلاش کرد. نقش تأثیرگذار وی در آغازین روزهای حیات اسلام و حمایت همه جانبه مادی، معنوی و عاطفی ایشان از رسول خدا ﷺ انکارناپذیر است. گفتار و کلام رسول خدا مؤید این نکته است. آن حضرت تا پایان عمر پیوسته از خدیجه و خوبی هایش یاد نموده و دوستان و آشنایان او را مورد لطف قرار می داد. از نگاه پیامبر ﷺ خدیجه برترین زنان دنیا و همسنگ مریم بنت عمران بود و سال وفاتش، سال حزن و اندوه حضرت گردید.^۱ درباره مقام آن حضرت همین بس که خداوند به او سلام فرستاده و وعده قصری در بهشت به او داده است.^۲

حضرت خدیجه (رضی الله عنها)، هم اولین و هم بزرگ ترین حامی رسالت و نیز نخستین زنی است که به رسول اکرم ایمان آورد. او روزهای سخت و دشوار آغازین رسالت رسول خدا، که حضرت یار و غمخواری نداشت، با تمام وجود و با عشقی وافر، تسلی دردها و مرهم زخم های پیامبر ﷺ خدا بود. خدیجه (رضی الله عنها) به عنوان مسلمانی مؤمن، تمام داشته های مادی و معنوی خود را در طبق اخلاص گذاشت و در راه تروج و تثبیت اسلام هزینه کرد.

به گفته ابن اسحاق، خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و رسول او ایمان آورد و آنچه رسول خدا آورده بود را تصدیق نمود. پس خداوند به جهت ایمان وی، بار اندوه پیامبر ﷺ را سبک کرد. هنگامی که پیامبر خدا از اعماق دل با خدیجه صحبت می کرد، خدیجه از اندوه او می کاست و او را تصدیق می کرد و کار مردم را بر او آسان می شمرد.^۳

۱. مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، تحقیق: محمد

عبد الحمید النمیسی، ج ۱، ص ۸۵؛ طبرسی، علی بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۵۳.

۲. ابن مغازی، ابوالحسن علی بن محمد جلابی، مناقب امام علی بن ابی طالب (رضی الله عنه)، ص ۷۶-۲۷۵.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳، ص ۸۴۳.

همچنین وی تنها همسری است که رسول خدا از او فرزندی یافت که فرزندانش امتداد ذریه پاک رسول خدایند. اما با همه این‌ها حضرت خدیجه به نوعی در میان مسلمانان گمنام و مظلوم مانده است و حتی لقب ام‌المؤمنین را کمتر در مورد ایشان به کار می‌برند.

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع تاریخی

با آن‌که در منابع تاریخی، اطلاعات چندانی در مورد این بانوی مکرمه نیامده، اما در مجموع ایشان را زنی ثروتمند و تاجر که به کار تجارت به نحو مضاربه مشغول بوده، معرفی کرده‌اند.^۱ این منابع به جایگاه بالای اجتماعی و حسن شهرت ایشان در نسب و تبار هم اشاره دارند و این‌که زنی شریف و بادرایت بود و شرافتی بزرگ داشت.^۲ منابع روایی و تاریخی شیعه بر نقش برجسته آن حضرت تأکید صریح دارند؛ هرچند که بین عامه شیعیان چنان‌که شاید و باید این بانوی مکرمه شناخته نشده است. پرسش مهم این است که وی در منابع روایی و تاریخی اهل سنت، با توجه به این‌که دوره‌ای طولانی همراه و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، چه جایگاهی دارد؟ باید دید منابع تاریخی و روایی و سیره‌نگاران که در صدد ثبت و ضبط جزئی‌ترین رویدادهای زندگی رسول خدا بودند، تا چه حد به حضرت خدیجه با این سابقه درخشان و نزدیکی به رسول خدا توجه کرده‌اند. در این نوشتار به اختصار به این پرسش پرداخته خواهد شد. به نظر می‌رسد که منابع و مجامع روایی اهل سنت رغبت چندانی بر نشان دادن مقام و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام نداشته‌اند. یک دلیل آن، مقایسه روایات مروی از

۱. ابن کثیر، أبوالفداء اسماعیل بن عمر الدمشقی، *البدایة والنهایة*، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن سید الناس، ابوالفتح

محمد، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، تعلیق: ابراهیم محمد رمضان، ج ۱، ص ۶۳.

۲. بلاذری، أحمد بن یحیی، *جمل من انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱، ص ۹۸؛

عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۳.

ایشان و از دیگران اعم از اصحاب و همسران رسول خداست که به لحاظ فراوانی، تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد. حضرت خدیجه پانزده سال پیش از بعثت و ده سال هم پس از بعثت، نزدیک به بیست و پنج سال همراه و همسر پیامبر (ص) بوده است. بنابراین انتظار می‌رود که احادیث مروی از ایشان نسبت به برخی دیگر از همسران یا اصحاب رسول خدا که زمان بسیار کمتری سعادت همراهی با رسول خدا را داشته‌اند، بسیار بیشتر باشد؛ اما فقط یک روایت مرسل از حضرت خدیجه نقل شده است.^۱ برای نمونه از عایشه که کمتر از هشت سال با رسول الله بود، آن هم در زمانی که حضرت همسران دیگری هم داشتند و اوقاتشان را بین آنان تقسیم کرده بودند، و سنگینی مدیریت جامعه نوپدید اسلامی بر دوششان بود، نزدیک به دوهزار و اندی روایت نقل شده است! یا ابوهیره که کمتر از سه سال مصاحبت رسول خدا را درک کرده است، راوی بیش از ۵۳۰۰ حدیث می‌باشد.^۲

شخصیتی مانند خدیجه که در تمام تنگناها یاریگر رسول خدا بود و حضرت را در رسیدن به آرمان‌های ارزشمندش امیدواری می‌بخشید و وقتی پیامبر خدا (ص) از آزارها و رفتارهای ناروای مخالفان آزرده خاطر می‌گشت، با بذل مهر و محبت خویش به حضرت نیرو می‌بخشید. خدیجه‌ای که ۲۵ سال تنها همدم و مونس رسول خدا (ص) بود و سال‌ها در مکه با آن مصایب کمرشکن ساخت و دوشادوش پیامبر اسلام (ص)، مسلمانان را یاری کرد و در زمانه‌ای که مردم حضرت را تکذیب کردند، او پیامبر (ص) خدا را تصدیق کرد و زمانی که همه کافر بودند، او به حضرت ایمان آورد؛ آیا تنها ذکر یک روایت از چنین شخصیتی منطقی می‌نماید؟ چگونه است که در منابع متعدد روایی اهل سنت حدیثی از حضرت خدیجه (ص) نیست؟ آیا پیامبر خدا (ص) هیچ سخنی

۱. ابویعلی، موصلی، مستند/ابویعلی، تحقیق: حسین اسد سلیم، ج ۱۲، ص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۲. ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، جوامع السیره، ص ۲۷۵.

با وی نداشته یا وی شاهد و سامع هیچ رفتاری یا قولی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است؟ با آن که منابع اهل سنت روایتی از حضرت خدیجه نقل نکرده اند و رغبت چندانی بر نشان دادن برتری حضرت هم ندارند، اما با این وجود در این منابع روایاتی داریم که اعتراف به برخی فضایل حضرت خدیجه علیها السلام است. در ادامه این نوشتار، اشاره کوتاهی به آن ها می گردد.

الف) سلام خداوند به حضرت خدیجه

در صحیح مسلم و بخاری از ابوهریره نقل شده است که حضرت جبرئیل نزد نبی مکرم صلی الله علیه و آله برای وحی آمده بود و گفت: اینک حضرت خدیجه علیها السلام برای تو غذا و آب می آورد. وقتی آمد، از ناحیه خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام سلام برسان و همچنین از من به او سلام برسان و او را بشارت بده که خداوند برای او در بهشت خانه ای در نظر گرفته از تارهای طلا و نقره که در آنجا هیچ مشقت و ناراحتی وجود ندارد.^۱

ابن حجر عسقلانی در یکی از کتاب های معتبر اهل سنت در مورد حضرت خدیجه روایتی را آورده است که حضرت خدیجه در کوه های اطراف مکه در جست و جوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود تا این که مردی را در دامنه کوه دید و آن مرد از حضرت خدیجه علیها السلام پرسید که نبی مکرم صلی الله علیه و آله کجاست؟ حضرت خدیجه علیها السلام نگران شد که مبادا او جزء کسانی باشد که به دنبال ترور نبی مکرم صلی الله علیه و آله باشد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را در میان کوه های اطراف مکه ملاقات کرد، قضیه را برای نبی مکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت و نبی مکرم صلی الله علیه و آله گفت: او حضرت جبرئیل بود و آمده بود که تو را به سوی من راهنمایی کند. به من دستور داد که به تو سلام برسانم و بشارت داد که خداوند خانه ای از طلا و

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ۵، ص ۳۹؛ مسلم، بن الحجاج ابوالحسن القشیری، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ج ۴، ص ۱۸۸۷؛ مناقب امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۷۶-۲۷۵.

یاقوت در بهشت برای تو در نظر گرفته است.^۱

همچنین امام باقر (علیه السلام)، از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: «در شب معراج چون بازگشتم، از جبرئیل پرسیدم آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: به خدیجه از طرف خداوند و از جانب من سلام برسان».^۲

زمانی هم که حضرت خدیجه (علیها السلام) از دنیا رفت و حضرت زهرا (علیها السلام) در سوگ مادر بی تاب می‌کرد، جبرئیل نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای رسول خدا! پروردگارت امر می‌کند که به فاطمه سلام برسان و به او بگو، مادرت در خانه‌ای از زمرد، بین آسیه و مریم است که پایه‌های آن خانه از طلا و ستون‌هایش از یاقوت قرمز است».^۳

ب) حضرت خدیجه، برترین زنان عالم

در میان اولیا و صالحان، زنانی بوده‌اند که در طول تاریخ بشریت در راه توحید و اهداف الهی فداکاری‌های بسیاری کرده‌اند که نام آنان همواره بر تارک تاریخ بشریت می‌درخشد. در منابع و روایات اسلامی از سه یا چهار نفر از این زنان یاد شده است که حضرت خدیجه (علیها السلام) یکی از آنان است.

در برخی منابع که از ابن عباس نقل شده، نام سه تن برده شده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ»^۴

۱. عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج ۸، ص ۱۰۲.

۲. صحیح بخاری، ج ۱۸، ص ۳۷۸ و حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۵.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱.

۴. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، ج ۱۱، ص ۳۳۶ و ج ۲۳، ص ۷؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۲، ص ۵۳۹ و ج ۳، ص ۲۰۴؛ ابن حبان، محمد بن احمد، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۷۰.

برخی منابع هم از چهارتن یاد کرده‌اند: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَابْنَةُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۱

احمد بن حنبل در مسند خود از ابن عباس نقل می‌کند که روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با صحابه نشسته بودند؛ با دست مبارکشان چهار خط کشیدند و فرمودند: می‌دانید این چهار خطی که کشیدم چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. پیغمبر اکرم فرمود: «بافضیلت‌ترین زنان بهشت چهار نفر هستند: حضرت خدیجه و حضرت زهرا و حضرت آسیه و حضرت مریم سلام الله علیهنّ اجمعین»^۲.

ج) مباحات اهل بیت علیهم السلام به حضرت خدیجه علیها السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در موارد متعدد به وجود مبارک حضرت خدیجه علیها السلام مباحات و افتخار کرده‌اند. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد در حضور مردم در شأن حسن و حسین علیهما السلام مطالبی فرمود؛ از جمله فرمود: ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسان‌ها از جهت جدّ و جدّه؟ حاضران عرض کردند: آری، خبر بده! فرمود: «آن‌ها حسن و حسین علیهما السلام هستند که جدشان رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله است و جدّه آن‌ها خدیجه علیها السلام دختر خویلد می‌باشد»^۳.

امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا در ضمن خطبه‌ای که خود را به دشمن معرفی می‌کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می‌دانید که جدّه من خدیجه علیها السلام دختر خویلد است؟» و خطاب به دشمن فرمود: «آیا می‌دانید که من فرزند همسر پیامبر صلی الله علیه و آله شما خدیجه علیها السلام هستم؟»^۴.

۱. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

۲. ابن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۲.

۴. همان، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید در دمشق در فرازی از خطبه معروفش چنین خود را معرفی کرد: «من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم».^۱

قندوزی حنفی در *ینابیع المودة* حدیثی با این مضمون آورده است: «الحسین جدته خدیجه سابقه النساء العالمین الی الایمان من کل الامه».^۲

ابن زبیر با آن که با خاندان رسالت دشمنی کرد، در گفت و گویی با ابن عباس، به خدیجه (علیه السلام) به عنوان عمه اش افتخار نموده و می گوید: «لست تعلم ان عمتی خدیجة سيدة نساء العالمین»؛ آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه (علیه السلام) سرور بانوان جهان است؟^۳ در گزارشی دیگری در یک رویارویی با معاویه، به این که عمه اش حضرت خدیجه، بانوی بزرگ و دارای تبار و ریشه ای نیک است، به معاویه فخر می فروشد و او را به خاطر داشتن عمه ای چون ام جمیل تحقیر می کند.^۴

د) مقام شفاعت حضرت خدیجه (علیه السلام)

یکی دیگر از مقامات حضرت خدیجه در آخرت، مقام شفاعت وی است. روایات و احادیث بیان گر این هستند که ایشان نه تنها شفاعت شده پیامبر (صلی الله علیه و آله) اسلام اند، بلکه خود هم در مقام شفاعت و دستگیری دوستداران و شیعیان و فرزندان شان می باشند.

«عن حذیفه و ابن عمر: اول النساء العالمین ایمانا خدیجه بنت خویلد و أول من أشفع يوم القيامة اهل بیتی، ثم الأقرب فالأقرب، ثم الانصار، ثم من آمن بی و تبعنی، ثم اهل الیمن، ثم سائر العرب، ثم الأعاجم و من أشفع فهو الاول».^۵

۱. همان، ج ۴۵، ص ۱۷۴.

۲. قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لدنوی القبری*، تحقیق علی بن جمال حسینی، ج ۲.

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحیمد بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، ص ۳۲۵.

۴. ابن عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد، *العقد الفرید*، تحقیق: احمد الزین، ج ۴، ص ۱۶.

۵. *ینابیع المودة*، ج ۲، ص ۲۶۹.

همچنین در روایتی آمده است که حضرت خدیجه همراه با پنج تن آل عبا علیهم السلام در بالای دژی که میان اهل جهنم و بهشتیان است، قرار می گیرند و شفاعت می کنند.

ه) تقدم حضرت خدیجه در اسلام آوردن

بر اساس روایات و گزارش های تاریخی، مسلم است نخستین زنی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورده و مسلمان شد، همسر فداکارش خدیجه علیها السلام بود. بر طبق ادعای بسیاری از سیره نویسان و مورخان نیز نخستین انسانی که به آن حضرت ایمان آورده و مسلمان شد، خدیجه بود. بر این موضوع در قدیمی ترین کتاب سیره ای که نگاشته شده هم اشاره شده است.

بنابراین بی تردید خدیجه علیها السلام اولین زن مسلمان بوده است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نماز گزارده است. منابع هم غالباً آن حضرت را اولین فرد ایمان آورده به پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده و برخی از آنان ادعای اجماع هم کرده اند.^۱ برخی منابع در تعیین مصداق «السابقون» در اسلام، حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام را عنوان کرده اند^۲ و این که این دو در برپایی نماز هم از پیشگامان در برگزاری نماز در اسلام بوده اند.^۳ ابن اثیر معتقد است که هیچ کس درباره این که حضرت خدیجه پس از وجوب نماز، با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خوانده است، اختلافی ندارد.^۴ ظاهراً این سخن در جواب کسانی مانند عایشه است که گفته اند حضرت خدیجه نمازی نخوانده و قبل وجوب نماز فوت کرده است!^۵

در ذیل به برخی احادیث موجود در منابع اهل سنت در این باره اشاره می کنیم.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، ص ۴۱۰؛ البدایة

والنهایة، ج ۳، ص ۲۳؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

۳. أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۷۸؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۴. أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۲۶ و محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ج ۲، ص ۱۱۹، حدیث ۱۷۵.

۵. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.

در *اسد الغابه* و *الاستیعاب* حدیثی با این مضمون نقل شده است «و كان أول من أسلم خديجة بنت خويلد من النساء».^۱ همچنین حاکم نیشابوری در *المستدرک* و حنفی قندوزی در *ینایع الموده* این حدیث را آورده اند: «خديجة سابقة النساء العالمين إلى الايمان بالله و بمحمد»^۲

ابن سید در کتاب *عيون الاثر في مغازی و الشمائل* حدیث ذیل را نقل کرده است: «قال محمد بن عمر: وأصحابنا مجمعون ان اول اهل القبلة الذى استجاب الرسول... خديجة بنت خويلد...».^۳

ابن اثیر در کتاب خود *اسد الغابه* آورده است:

«خديجة بنت خويلد بن اسد بن عبد العزى بن قصي القرشية الاسدية ام المؤمنين زوج النبي ﷺ اول امرأة تزوجها و اول خلق الله اسلم باجماع المسلمين، لم يتقدمها رجل و لا امرأة»؛^۴ خدیجه دختر خویلد... همسر رسول خدا ﷺ نخستین زنی بود که رسول خدا با او ازدواج کرد و نخستین خلق خدا بود به اجماع مسلمانان که اسلام را اختیار کرد و هیچ مرد و زنی از او پیشی نگرفت.

در قدیمی ترین کتاب سیره، یعنی *سیره ابن اسحاق* نیز آمده است: «و كان أول من اتبع رسول الله ﷺ خديجة بنت خويلد زوجته»؛^۵ نخستین کسی که از رسول خدا ﷺ پیروی کرد، خدیجه دختر خویلد همسر آن حضرت بود. از دید ابن اسحاق این امتیاز حضرت خدیجه، مشهور و معروف است و مخالفی ندارد.^۶

۱. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۸، ص ۱۳ و *ینایع الموده*، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴ و *ینایع الموده*، ج ۲، ص ۹۲.

۳. *عيون الاثر في فنون المغازی و الشمائل و السیر*، ج ۱، ص ۱۱.

۴. *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۴.

۵. محمد ابن اسحاق، *سیره ابن اسحاق*، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۴۲.

از عبدالله بن مسعود نقل شده است که روزی با عموها و تعدادی از اعضای قبیله ام به مکه آمدیم تا عطر بخریم. عباس بن عبدالمطلب عطر می فروخت. نزد او رفتیم. عباس در کنار چاه زمزم نزدیک کعبه نشسته بود. در این هنگام، مردی که لباس سفید بر تن داشت و موهایش بلند بود و دندان های سفید داشت و صورتش مثل ماه بود، از باب صفا وارد شد. طرف راست او، نوجوانی راه می رفت و پشت سرش بانویی با لباس پوشیده. آن ها کنار حجرالأسود رفتند. ابتدا آن مرد به حَجَر دست کشید و سپس آن نوجوان و بعد هم آن بانو. آن گاه طواف کردند و کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز خواندند... من که چنین چیزی ندیده بودم، از عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی در شهر مکه آمده؟ اینان کیانند؟ عباس گفت: آن مرد، برادرزاده من است؛ آن نوجوان هم برادرزاده دیگر من است و آن زن خدیجه همسر اوست. او می گوید که دین تازه ای آورده است، اما به خدا قسم غیر از این سه نفر، در روی زمین کسی به این آیین نپیوسته است.^۱

و) یادکردهای رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان همسران خود همواره از حضرت خدیجه به نیکی یاد می کردند و هرگاه به یاد آن بانوی بزرگوار می افتادند، متأثر می شدند. به پاسداشت از نیکی ها، فداکاری ها و محبت بی شائبه حضرت خدیجه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، حتی نزدیکان و خویشاوندان آن بانو را هم احترام کرده، مورد تکریم قرار می دادند؛^۲ به گونه ای که ابراز علاقه و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله خدا به حضرت خدیجه، حسادت و رشک دیگر همسران آن حضرت و بیش از همه عایشه را که جوان ترین شان بود، برمی انگیخت و بارها باعث واکنش وی شده بود.

بخاری در صحیح خود، باب «غیره النساء»، از قول عایشه آورده است: آن قدر که بر

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

خدیجه حسادت می‌کردم، بر هیچ یک از همسران رسول خدا ﷺ حسادت نمی‌کردم؛ زیرا آن حضرت از ایشان بسیار یاد می‌کرد و از او تمجید می‌نمود. به پیامبر ﷺ وحی شد که به او بشارت خانه‌ای از قصب (نوعی سنگ سبز رنگ) در بهشت بدهد.^۱

رسول خدا به دلیل علاقه و محبتی که به حضرت خدیجه (علیها السلام) داشتند، به دوستان و نزدیکان وی احترام گذاشته و بادیدن آنان به یاد همسر باوفایشان می‌افتادند. از عایشه نقل شده که روزی هاله، خواهر خدیجه از پیامبر ﷺ اجازه ورود خواست. همین که رسول خدا صدای او را شنید، به یاد خدیجه افتاد و رنگ از رخسارش پرید. سپس فرمود: «آه خدایا! هاله آمده». صحیح بخاری در باب «مناقب انصار»، حدیثی از عایشه آورده است با این مضمون:

«عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: اسْتَأْذَنْتُ هَالَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، أُخْتُ خَدِيجَةَ، عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعَرَفَ اسْتِئْذَانَ خَدِيجَةَ فَازْتَاعَ لِنَذَلِكَ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ هَالَةَ». قَالَتْ: فَعَرِضْتُ، فَقُلْتُ: مَا تَذْكُرُ مِنْ عَجُوزٍ مِنْ عَجَائِزِ قُرَيْشٍ، حَمْرَاءِ الشَّدَقِينَ، هَلَكَتْ فِي الدَّهْرِ، قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا».

تعبیری که عایشه نسبت به حضرت خدیجه به کار برد، متضمن نوعی تحقیر مرسوم میان اعراب بود که موجبات ناراحتی رسول خدا را فراهم کرد. در نقلی رسول خدا در مقام پاسخ به عایشه فرمودند: «نه به خدا قسم خدا بهتر از او را نصیب نکرد. او به من ایمان آورد، زمانی که مردم کافر بودند و تصدیق کرد، زمانی که مردم تکذیب می‌کردند. به مالش مریاری می‌رساند، زمانی که مردم تحریم کردند. خدا از او فرزندانی نصیب کرد که از دیگر زنان نصیب نکرد».^۲

۱. صحیح بخاری، ص ۱۳۳۲.

۲. نویری، احمد بن عبد الوهاب، نه‌ایه الارب فی فنون الادب، ص ۱۷۲ و الاصابه فی التميز الصحابه، ص ۱۰۳.

و انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

روایتی در فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در منابع فریقین با این مضمون آمده است:

«قال آدم علیه السلام: مما فضل الله به ابني عليّ أن زوجته خديجة كانت عوناً له على تبليغ أمر الله عز وجل وأن زوجتي كانت عوناً لي على المعصية»^۱.

«روزی حضرت آدم علیه السلام فرمود: یکی از فضیلت‌هایی که فرزندم محمد دارد و برتری او را بر من نشان می‌دهد، این است که همسر او در تبلیغ امر الهی یاور او بود و همسر من هم در خطا و معصیت یاور من بود».

حضرت خدیجه علیها السلام در نگاه بزرگان اهل سنت

عالم‌ان و دانشمندان اهل سنت در دوره‌های مختلف تاریخی در شأن حضرت خدیجه علیها السلام سخن فراوان گفته‌اند و برخی از آنان به نحو مستقل در مورد حضرت کتاب نگاشته‌اند. در اینجا به اجمال به برخی از این گفته‌ها اشاره می‌شود.

ابن جوزی درباره حضرت خدیجه می‌نویسد: او بانویی پاک سرشت بود که حق‌گرایی، فضیلت‌طلبی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی‌هایش بود و از روزگار جوانی از دختران نامدار و بافضلیت حجاز و عرب به شمار می‌رفت.^۲

مقریزی مورخ قرن نهم هجری در توصیف حضرت خدیجه و معرفی وی به عنوان ام‌المؤمنین و همسر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نویسد: «و مناقبها، و هی کمل من النساء، کانت عاقله، جلیله، دینه، مصونه، کریمه، من اهل الجنه، و کان النبی صلی الله علیه و سلم

۱. العینی، بدرالدین ابی محمد محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۳؛ الدر المنثور لجلال الدین السیوطی، ج ۱، ص ۵۴؛ تاریخ بغداد للخطیب البغدادی، ج ۴، ص ۱۰۱؛ تاریخ مدینة دمشق لابن عساکر، ج ۶۹، ص ۱۰۸؛ میزان الاعتدال للذهبی، ج ۴، ص ۶۰؛ لسان المیزان لابن حجر العسقلانی، ج ۵، ص ۴۱۸.

۲. ابن جوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰.

یثنی علیها، و یفضلها علی سائر امهات المؤمنین و یبالغ فی تعظیمها»^۱

سید احمد سایح از علمای اهل سنت می نویسد: «خداوند عزوجل، ام المؤمنین خدیجه سرور زنان عالم را به کریم ترین خصوصیت تکریم کرده است، و آن این که خداوند متعال ذریه پیامبر (ص) را از ذریه او تعیین نموده است. او بهترین همسر صالحی بود که با جان و مالش به رسول خدا کمک نمود».^۲

تقی الدین سُبکی که از بزرگان و علمای شافعی مذهب است، در مورد حضرت خدیجه (ص) می نویسد: آنچه در مورد بانوی بزرگ اسلام خدیجه برمی گزینیم و بدان عقیده داریم، این است که او برترین زنان گیتی است؛ اما فاطمه بنت محمد برترین زنان تاریخ است و پس از او خدیجه برترین زنان عصرهاست.^۳

ابوعبدالله محمد بن أحمد بن أبی بکر قرطبی از مفسران به نام اهل سنت در قرن هفتم در تصویر جایگاه حضرت خدیجه (ص) می نویسد:

خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و برنامه آسمانی پیامبر (ص) را با همه وجود گواهی کرد و آن حضرت را در راه تبلیغ دین خدا در جامعه پشتیبانی کرد و در این راه فداکاری و صبری قهرمانانه از خود به نمایش گذاشت.^۴

ابوبکر احمد بیهقی از علمای شافعی مذهب، در *دلائل النبوه و معرفة احوال صاحب الشریعه* که از مهم ترین آثار در سیره نبوی، به ویژه دلایل نگاری است، حضرت خدیجه را وزیری راستین و کارآمد و مشاور خردمند و یاری شجاع برای پیامبر (ص) اسلام معرفی می کند که در سایه حمایت های بی دریغ او پیامبر (ص) اسلام بر مشکلات

۱. مقریری، تقی الدین احمد، *أمتاع الأسماء بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، ج ۶، پاورقی، ص ۲۴.
 ۲. سایح، سید احمد، *الاضواء فی مناقب الزهراء (ع)*، ص ۲۱ و ۲۲. (به نقل از *دائرة المعارف صحابه پیامبر اعظم (ص)* نوشته حسین تهرانی).
 ۳. غالب سیلوی، *انوار الساطعه من الغراء الطاهر*، ص ۳۷۵.
 ۴. همان، ص ۲۰۴.

چیره می‌شد و با مهر وی آرامش خاطر می‌یافت. از این روست که با فوت خدیجه علیها السلام امواج مصیبت و گرفتاری بر رسول خدا باریدن گرفت و سال وفات وی، سال حزن پیامبر صلی الله علیه و آله خدا گشت.^۱

فضل بن روزبهان، از عالمان سنی مذهب قرن نهم و دهم هجری و از سنیان ارادتمند به اهل بیت علیهم السلام که البته تعصب خود را حفظ کرده و کتابی در ردّ نهج الحق علامه حلی نوشته است، فضایل و برتری‌های حضرت خدیجه را بی‌شمار و بسیار می‌داند.^۲

سبط ابن جوزی، مورخ، واعظ، مفسر و فقیه حنبلی مذهب در تذکرة الخواص خود که کتابی است در شرح حال امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان، حضرت خدیجه علیها السلام را بانویی پاک سرشت و نخستین زن توانمند عرب در حوزه اقتصاد، تجارت و مدیریت معرفی می‌کند، که در تجارت به هر بهایی دنبال سود نبود و از انحصار و احتکار و کم‌فروشی و رباگریزان بود.^۳

حافظ عبدالعزيز جنابذی حنبلی از علمای قرن هفتم هجری، در کتاب المعالم العترة النبویه، حضرت خدیجه علیها السلام را بانویی دوراندیش، خردمند و شریف معرفی می‌کند که با وجود حریص بودن مردان بزرگ قومش به ازدواج با او، به خاطر شرف، امانت‌داری و خوش اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله خود به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد.^۴

عبدالعزیز شناوی از علمای اهل سنت مصر، حضرت خدیجه علیها السلام را از نعمات باارزشی می‌داند که خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عطا فرمود که حضرت را در سخت‌ترین

۱. ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق: عبدالمعطی امین قلعجی،

ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۶۵.

۳. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص الامه فی خصائص الائمة، تحقیق: خالد عبدالغنی، ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۰.

۴. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، ص ۱۳۳.

ساعات و اوقات رسالتش یاری نمود و ۲۵ سال با جان و مال پیامبر خدا ﷺ را پشتیبانی نمود.^۱

دکتر علی ابراهیم حسن استاد تاریخ دانشگاه قاهره در مورد حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: اگر بخواهیم نمونه ای از همسر با اخلاص و زنی وفادار و خردمند مثال بزنیم، بهتر از ام المؤمنین خدیجه نمی یابیم؛ بانویی که هم جاهلیت و هم اسلام را درک کرد و در هر دو دوره منزلتی ممتاز داشت؛ به گونه ای که او را طاهره نامیدند.^۲

محمد علی قطب در کتاب خود خدیجه بنت خویلد مهم ترین ویژگی حضرت خدیجه را یاری و همراهی و مهربانی اش با رسول خدا ذکر می کند که در اوج فشارها و آزارهای فزاینده کفار قریش همانند مرهمی بر جراحات پیامبر خدا ﷺ بود و تبسم خدیجه غم و غصه پیامبر ﷺ را زایل می کرد و عزم و اراده حضرت را شدت و قوت می بخشید.^۳

شمس الدین ذهبی که محدث و مورخ مسلمان و نویسنده پرکار اهل سنت در سده هشتم و نهم قمری است، درباره حضرت خدیجه می نویسد:

خدیجه، مادر مؤمنان، سرور زنان عالمیان زمان خود بود... و مناقبش بسیار است. او از جمله کسانی است که به کمال رسیده و عاقل، جلیل القدر، باتقوا و کریم و از اهل بهشت می باشد که پیامبر ﷺ او را ستایش نموده و بر دیگر زنانش برتری داده و در تعظیمش دست بالا را گرفته است؛ به طوری که عایشه می گفت: من بر زنی همچون خدیجه رشک نبردم به جهت آن که پیامبر ﷺ بسیار او را یاد می کرد و از جمله کراماتش این است که قبل از او با زنی دیگر ازدواج نکرده و تنها او بود که برایش تعدادی فرزند آورد، و تا او زنده بود، با کس دیگری ازدواج نکرد، و

۱. عبدالعزیز شناوی، سیدات النساء اهل الجنة، ص ۹۵.

۲. علی ابراهیم حسن، نساء لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص ۲۱ - ۲۳.

۳. قطب، محمد علی، خدیجه بنت خویلد، ص ۸۱.

کنیز هم برای خود نگرفت تا وقتی که خدیجه از دنیا رفت، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نبود خدیجه، خودش را تنها دید، و (خدیجه) چه خوب همنشینی برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^۱

عایشه بنت الشاطی بانوی اندیشمند، مؤلف و محقق مصری در ادبیات و علوم قرآنی در کتاب *بانوی کربلا زینب علیها السلام*، در مورد حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان جدّه حضرت زینب علیها السلام می نویسد:

خدیجه دختر خویلد امهات مؤمنین است و نزدیک ترین همسران رسول خدا هم در زندگی و بعد از مرگ است. او ۲۵ سال مورد احترام و مهر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت و هیچ زنی در این افتخار با او شریک نیست. او به حضرت ایمان آورد و امیدوارانه در کنار آن حضرت کوشید. به پیامبر صلی الله علیه و آله چنان ایمان داشت که حاضر بود در راهش جان دهد و همین گونه تا آخرین رمق حیاتش در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از خدیجه آمدند، حتی عایشه، نتوانستند یاد او را از قلب پیامبر صلی الله علیه و آله بزایند یا اندکی آتش آن را فروکاهند.^۲

سنیه قراعه نویسنده زن عرب در کتاب *نساء محمد*، با تعابیر زیبایی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

تاریخ در برابر عظمت ام المؤمنین خدیجه سر تعظیم فرود می آورد و متواضعانه در برابرش می ایستد و نمی داند که نام این بانو را در کدام فهرست بزرگان تاریخ ثبت نماید.^۳

سلیمان کتانی از نویسندگان مشهور مارونی لبنان که علاقه خاصی به خاندان

۱. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۸۱ به نقل از *دائرة المعارف صحابه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله* و *خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری*، نوشته حسین تهرانی.

۲. بنت الشاطی، عایشه، *بانوی کربلا زینب*، ترجمه سید رضا صدر، فصل نیاکان و پدران زینب علیها السلام.

۳. سنیه قراعه، *نساء محمد*، ترجمه تقی صاحبی مفرد، ص ۳۸.

پیامبر (ص) دارد، در کتاب *فاطمه الزهراء و ترفی غمد*، در مورد حضرت خدیجه (س) می‌گوید: خدیجه ثروتش را به محمد بخشید، ولی این احساس را نداشت که می‌بخشد؛ بلکه این احساس را داشت که از او هدایت را که بر همه گنج‌های سراسر جهان برتری دارد، کسب می‌نماید. او احساس می‌کرد محبت و دوستی را به حضرت محمد (ص) اهدا می‌کند، ولی در عوض، همه ابعاد سعادت را از او کسب می‌کند.^۱

نتیجه

حضرت خدیجه (س) نخستین کسی بود که به خدا و رسول او ایمان آورد و آنچه را که رسول خدا آورده بود، تصدیق نمود. وی در سخت‌ترین شرایط و از آغازین روزهای رسالت همراه و یاور پیامبر اسلام (ص) و نزدیک به ۲۵ سال، تنها همسر آن حضرت بود. ایشان نزد پیامبر اسلام (ص) نیز از جایگاه والایی برخوردار بود. در روایات بسیاری حضرت خدیجه از زبان رسول خدا (ص) مدح شده است و حضرت تا پایان عمر شریف خود همیشه و در همه حال از فداکاری‌ها و نیکی‌های حضرت خدیجه (س) یاد می‌کردند.

انتظار می‌رود با توجه به جایگاه و مقام حضرت خدیجه (س) نزد پیامبر (ص) و تاریخ اسلام در منابع روایی و تاریخی، احادیث و روایت قابل توجهی از حضرت موجود باشد، اما به نظر می‌رسد که منابع و مجامع روایی اهل سنت رغبت چندانی بر نشان دادن مقام و جایگاه حضرت خدیجه (س) نداشته‌اند. مرویات از حضرت خدیجه (س) در این منابع نسبت به بسیاری دیگر از یاران رسول خدا (ص) که از شرایط و موقعیت آن بانوی مکرمه هم برخوردار نبوده‌اند، غیر قابل قیاس است و تنها یک حدیث از ایشان نقل شده است. به نظر می‌رسد نقش جا‌اعلان حدیث و مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) - دستگاه اموی و آل‌زبیر - در تحریف یا حذف روایات فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و

۱. خدیجه (س) از مجموعه زنان بزرگ اسلام، ج ۱، علی محمد دخیل، ترجمه دکتر فیروز حریری، ص ۳۲.

جعل حدیث برای برجسته کردن جریان یا افرادی که بیان روایات مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام به شدت جایگاه واقعی آنان را آشکار می‌کرد، بی‌تأثیر نباشد. با این همه و با آن‌که منابع اهل سنت روایتی از حضرت خدیجه نقل نکرده‌اند و رغبت چندانی بر نشان دادن برتری حضرت هم ندارند، اما با این وجود در این منابع روایاتی داریم که اعتراف به برخی فضایل حضرت خدیجه علیها السلام است، و همین اندک هم بیان‌گر جایگاه والای حضرت خدیجه علیها السلام می‌باشد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحیمد بن هبته الله، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، أسد الغابه في معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.
۳. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق، چاپ محمد حمیدالله، ترکیه، ۱۴۰۱.
۴. ابن حبان، محمد بن احمد، صحیح ابن حبان، مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴.
۵. ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، جوامع السیره، دارالمعارف، مصر.
۶. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، بیروت، المكتبة الاسلامی، بی تا.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۹. ابن سید الناس، ابوالفتح محمد، عیون الأثر فی فنون المغازی والشمائل والسير، تعلیق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۱۰. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه في معرفة أحوال الأئمة، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۸.
۱۱. ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق: احمد الزین، دارالآندلس، ۱۴۰۸.
۱۲. ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر الدمشقی، البدایة والنهاية، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷.
۱۳. ابن مغالزی، ابوالحسن علی بن محمد جلابی، مناقب امام علی بن ابیطالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۲۴.
۱۴. ابوبکر احمد بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، تحقیق: عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
۱۵. ابویعلی، موصلی، مستند ابویعلی، تحقیق: حسین اسد سلیم، دارالمأمون، ۱۴۰۸.

۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دارطوق النجاء، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲.
۱۷. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، *جمل من انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷.
۱۸. بنت الشاطی، عایشه، *بانوی کربلاء زینب*، ترجمه سید رضا صدر، دفتر تبلیغات اسلامی قم، بی تا.
۱۹. تهرانی، حسین، *خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری*، قم، نشر طوبای محبت، ۱۳۹۳.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله بن محمد، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة - الطبعة الأولى، ۱۴۱۱.
۲۱. *خدیجه علیها السلام از مجموعه زنان بزرگ اسلام*، ج ۱، علی محمد دخیل، ترجمه دکتر فیروز حریری، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ مدینه بغداد و مدینه السلام*، تحقیق: عطا مصطفی عبد القادر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷.
۲۳. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق اسد حسین، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۱.
۲۴. _____، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، قاهره، دار احیاء کتب العربیة، ۱۴۱۷.
۲۵. سایح، سید احمد، *الاضواء فی مناقب الزهراء علیها السلام*، قاهره، دار جوامع الکلم، بی تا.
۲۶. سبط ابن جوزی، یوسف بن قوز اوغلی، *تذکره الخواص الامه فی خصائص الائمہ*، تحقیق: خالد عبد الغنی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶.
۲۷. سنیه قراعه، نساء محمد، ترجمه تقی صاحبی مفرد.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، مکتبة ابن تیمیة - قاهرة.

٧٨ دوفصلنامه علمی تخصصی سیره و سخن اهل بیت (علیهم السلام) / سال اول / شماره چهار / پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۳۰. طبرسی، علی بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، قم، انتشارات دارالکتاب.
۳۲. عبدالعزیز شناوی، *سيدات النساء اهل الجنة*، مکتبه التراث الاسلامی، قاهره.
۳۳. عسقلانی، أبوالفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، *الإصابة في تمييز الصحابة*، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۳۴. عسقلانی، أبوالفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱ م.
۳۵. علی ابراهیم حسن، *نساء لهن في التاريخ الاسلامی نصیب*، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۷۰.
۳۶. العینی، بدرالدین ابی محمد محمود بن احمد، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۳۷. غالب سیلاوی، *انوار الساطعه من الغراء الطاهر*، قم، نشر محلاتی، ۱۴۲۴.
۳۸. قطب، محمد علی، *خدیجه بنت خویلد اول الناس اسلاما*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۸.
۳۹. قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع الموده لدوی القریبی*، تحقیق علی بن جمال حسینی، دارالاسوه، قم.
۴۰. مسلم، بن الحجاج ابوالحسن القشیری، *صحیح مسلم*، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، نشر داراحیاء التراث العربی.
۴۱. مقریری، تقی الدین احمد، *أمتاع الأسماء بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۰.
۴۲. نویری، احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الارب في فنون الادب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳.
۴۳. هاشمی نژاد، اکرم السادات، *سرور زنان جهان ام المؤمنین خدیجه کبری*، تهران، نشر نوآور، ۱۳۸۸.